



وفای به عهد از اصول مهم اخلاقی است/ وفا همزاد راستگویی است

پایبندی به عهد و پیمان یک اصل جهانی است و از امهات فضائل به شمار می‌رود. وفای به عهد یکی از اصول و پایه‌های با اهمیت اخلاقی است

خبرگزاری مهر - پایبندی به عهد و پیمان یک اصل جهانی است و از امهات فضائل به شمار می‌رود. وفای به عهد یکی از اصول و پایه‌های با اهمیت اخلاقی است که هم در قرآن مجید و هم در روایات و سخنان پیشوایان دین، بر آن تأکید شده است. امام علی(ع) در خطبه چهل و یکم نهج البلاغه می‌فرمایند: ای مردم! وفا همزاد راستگویی است، سپری محکمتر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم آن کس که از وضع رستاخیز آگاه باشد، خیانت نمی‌کند. در زمانی به وجود آمده ایم که بیشتر مردم خیانت و حيله گری را کیاست و عقل می‌شمارند و نادانان آنها را اهل تدبیر می‌خوانند، چگونه فکر می‌کنند؟!

خداوند آنها را بکشد! چه بسا شخصی به تمام پیش‌آمدهای آینده آگاه است و طریق مکر و حيله را خوب می‌داند ولی فرمان الهی و نهی پروردگار مانع او است و با اینکه قدرت بر انجام آن دارد آنرا به روشنی رها می‌سازد، ولی آن کس که از گناه و مخالفت فرمان حق پروا ندارد، از همین فرصت استفاده می‌کند.

امام(ع) با این سخن به این حقیقت اشاره فرموده که انسان همان طور که با زبان راست می‌گوید، با عمل نیز می‌تواند راست بگوید و آنجا که راستی در عمل باشد آنرا وفای به عهد خوانند و عکس آن دروغ عملی است که آنرا خیانت و پیمان شکنی نام می‌نهند.

پایبندی به عهد و پیمان یک اصل جهانی است و از امهات فضائل به شمار می‌رود. تمام افراد بشر، از هر قاره و اقلیمی، به این اصل ریشه دارد عمق وفای به عهد عنایت خاصی دارند و عهدشکنی را خیانت و رعایت عهد و پیمان را فضیلت می‌شمارند. وفای به عهد یکی از اصول و پایه‌های با اهمیت اخلاقی است که هم در قرآن مجید و هم در روایات و سخنان پیشوایان دین، بر آن تأکید شده است.

در قرآن آمده است: و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود. امام علی(ع) فرمودند: همانا عهد و پیمان‌ها گردن بندهایی در گردن‌ها هستند تا روز قیامت. کسی که آنرا به پا دارد، خداوند او را به (هدفش) می‌رساند و کسی که آنرا بشکند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: کسی که به عهد و پیمانش وفا نکند دین ندارد.

عهد و پیمان دو قسم است: 1- عهد و پیمان با خدا، یعنی انسان براساس خلقت و فطرت پاک انسانی و تعالیم دین الهی متعهد است تا خدا را بپرستند و از او اطاعت کند و از پیروی شیطان دور گزیند چنان که خداوند در قرآن فرمود: ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید، زیرا برای شما دشمن آشکاری است و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است و باز می‌فرماید به پیمانی که با خدا بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. 2- عهد و پیمان انسان‌ها با یکدیگر که بر چند گونه است، مانند پیمان‌های حقوقی، تجاری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

امام صادق(ع) می‌فرمایند: لَا تَغْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّىٰ لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ: فریب نماز و روزه مردم را نخورید، زیرا آدمی گاه چنان به نماز و روزه خو می‌کند که اگر آنها را ترك گوید، احساس ترس می‌کند، بلکه آنها را به راستگویی و امانتداری بیازمایید. همچنین ایشان در حدیث دیگری می‌فرمایند: «إِنَّ الصَّادِقَ أَوَّلُ مَنْ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ وَتَصَدِّقُهُ نَفْسُهُ تَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ: راستگو را نخستین کسی که تصدیق می‌کند، خدای عزوجل است که می‌داند او راستگوست و نیز نفس او تصدیقش می‌کند که می‌داند راستگوست.>

راستگویی از اعمال نیکوی انسانی و نزد دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که آدم سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. اسلام دینی فطری است و راستی نیز خواست فطرت است، پس این دو پیوندی ناگسستنی دارند و در روایات اسلامی با تعبیر گوناگونی بر راستگویی مسلمانان تأکید شده و آن را از اصول ایمان و تدین به حساب آورده‌اند.

رسول اکرم(ص) می‌فرمایند: «الصَّدَقُ مُبَارَكٌ وَ الْكَذِبُ مَشْوُومٌ: راستی، مبارک و دروغ نامیمون است.> امیرمؤمنان(ع)، راستگویی را قوی‌ترین پایه ایمان، ملاک دین و الهام از سوی خدا دانسته، می‌فرماید: «الصَّدَقُ أَقْوَى دَعَائِمِ الْإِيمَانِ: راستی قوی‌ترین رکن ایمان است.>

«#؛ شَيْنَان هُمَا مِلَاكُ الدِّينِ؛ الصِّدْقُ وَ الْيَقِينُ» دو چیز ملاک دین است؛ راستی و یقین. «#؛ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا اَلْهَمَّهُ الصِّدْقُ» وقتی خدا بنده ای را دوست بدارد، راستی را به او الهام می کند. امام صادق(ع) نیز می فرماید: «#؛ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ: خداوند هیچ پیامبری برنمیگذاشت جز با راستی و امانتداری نسبت به نیکوکار و بدکار. با این وصف اگر بگوییم راستی و درستی شالوده دین و ایمان را تشکیل می دهد و آنکه از این خصلت زیبا و حیاتی برکنار باشد در واقع دین در او بی ریشه است، سخن گزافی نگفته ایم.

آثار راستگویی

آثار ارزنده هر پدیده ای بستگی به ارزش و اهمیت آن دارد و چون راستی از اهمیت بالایی برخوردار است، پیامدهای ارزشمند و نیکویی دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

الف - همراهی خدا: امام باقر(ع) می فرماید: «#؛ إِلَّا فَاصْدُقُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصِّدْقِ» هان! راست بگوئید که خدا با راستی است.

ب - پاکي کردار: امام کاظم(ع) می فرماید: «#؛ مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكِيَ عَمَلُهُ كَسِيَ كَذِبًا رَاسِتًا بَغْوِيْدًا، کردارش پاک می شود.

ج - نجات و سلامتی: امیرمؤمنان(ع) می فرماید: «#؛ عَاقِبَةُ الصِّدْقِ نَجَاةٌ وَ سَلَامَةٌ» فرجام راستگویی، نجات و سلامت است. اگر انسان راستگو بود و به این وصف شناخته شد، مورد اعتماد مردم قرار می گیرد و آنان، سخن او را درست می شمارند و می پذیرند، در این صورت، اگر برای شخص صادق، گرفتاری پیش بیاید، امتیاز راستگویی، سبب نجات او می شود و از گرفتاری و خطر به سلامت می گذرد. البته در جایی که راستگویی خطر مهمتری برای او یا دیگران به بار می آورد، راست گفتن واجب نیست و در صورت امکان باید توریه کرد، گرچه راستگویی در هر حال مایه نیک فرجامی و نجات از عذاب الهی خواهد بود.

د - بزرگی مقام: از امیرمؤمنان(ع) روایت شده: «#؛ عَلَيْكَ بِالصِّدْقِ، فَمَنْ صَدَقَ فِي أَقْوَالِهِ جَلَّ قَدْرُهُ» بر تو باد به راستگویی، زیرا کسی که در گفتارش صادق باشد، مقام و منزلتش بزرگ می شود.

ه - خیر دنیا و آخرت: علی(ع) فرمود: «#؛ اِزْبَعْ مَنْ اَعْطِيَهُنَّ فَقَدْ اَعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، صِدْقُ حَدِيثٍ وَ آدَاءُ اَمَانَةٍ وَ عَقْدُ بَطْنٍ وَ حُسْنُ خَلْقٍ» چهارچیز است که به هر کس بخشیده شده باشد، به تحقیق خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است: راستگویی، اداکردن امانت، نگهداری شکم (از حرام و مشتبّه) و خوش اخلاقی.

و - پادشاهی اخروی: قرآن کریم می فرماید: «#؛ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ، لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ، ذَلِكَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ» خداوند می گوید: امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می بخشد، برای آنها باغهایی (از بهشت) است که آب از زیر (درختان) آن جریان دارد و جاودانه و برای همیشه در آن می مانند، خداوند از آنها خشنود و آنها از خداوند خشنود خواهند بود و این رستگاری بزرگی است. بنابراین آیه شریفه، آنان که مسئولیت و رسالت خود را انجام دادند و در دنیا، در گفتار و کردار صادق بوده و جز راه صدق و درستی نیپیمودند، از کار خود بهره کافی خواهند برد و به رستگاری بزرگ که خشنودی خدای سبحان است، دست خواهند یافت.

با همه قداست و ارزشی که راستگویی دارد، باید توجه داشت که گاهی راستگویی مایه دردسر، ضرر و فساد می گردد که از دیدگاه اسلام کاری نادرست و ممنوع است؛ زیرا در پاره ای از موارد بر اثر راستگویی، اسراری کشف می شود و در نتیجه، منشأ درگیری، فتنه انگیزی و گاه منجر به قتل و خونریزی می گردد. در این موارد، دروغ غائله را فرو می نشاند و از بروز اختلاف و درگیری جلوگیری می کند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «#؛ ثَلَاثٌ يَقْبَحُ فِيهِنَّ الصِّدْقُ: التَّمِيمَةُ وَ إِخْبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُهُ، وَ تَكْذِيبُكَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَبَرِ»

راستگویی در سه چیز ناپسند است: سخن چینی، سخن گفتن با مرد درباره همسرش به چیزی که او را ناخوش آید. تکذیب خبری که شخص می دهد. همچنین امام صادق(ع) می فرماید: اگر درباره مسلمانی از یک مسلمان سؤال شد و او راست بگوید و (به واسطه راستگویی) ضرری به آن مسلمان وارد سازد، از دروغگویان نوشته می شود و اگر کسی درباره مسلمانی از یک مسلمان سؤال کند و او دروغ بگوید و (به واسطه دروغگویی) منفعتی به او برساند، نزد خدا از راستگویان نوشته می شود. معنای این روایت این است که مؤمن باید موقعیت سنج و زیرک باشد و نسبت میان سخن و سود آن را بسنجد و طرف با اهمیت را برگزیند نه اینکه برای سودجویی فردی یا گروهی، دروغ بگوید.